

نامه به سردبیر

باسلامی گرم و صمیمی خدمت همه شما خوانندگان خوب و ارجمند مجله اطلاعات هفتگی و با گرامیداشت ششهای پراجر و فیض قدر و تسلیت شهادت جانسوز مولانا مقتدایمان امیر مومنان علی (ع) و با عرض پوزش همیشگی به خاطر تاخیر در پاسخ به موقع به نامه های شما عزیزان گرامی:

* آزاده محبوب - مشهد

جایزه سر کار عالی یکی دو ماهی هست که برایتان پست شده اگر هنوز به دستتان نرسیده است خواهشمند است در ساعات اداری با تلفن روابط عمومی تماس بگیرید.

* نادر وثوقی - آستارا

از من گلابه نکند. هر هفته بیش از ده نامه کمکی به دستم می رسد که معمولاً نمی توانم بیش از یک نامه رابه دست چاپ برسانم. خواننده ها هم از من گلابه دارند که چرا در این صفحه نامه های درخواست کمک زیاد چاپ می شوند. خود من هم مانده ام که با این حجم نامه ها چه باید کرد؟ در صد هستم یک ستون یا دو ستون در جای دیگری از مجله برای انعکاس نامه های درخواست کمک خوانندگان اختصاص بدهم. به هر حال نامه شما در نوبت چاپ قرار گرفته است.

* محمد جامی - تایباد

کتاب دفتر شعر تایباد ۱ به دستمان رسیده است. به آقای شیرزادی گفته ام که به نامه شما جداگانه پاسخ بدهد. همینطور به آقای مهدی زاده. به هر حال از لطف شما متشکرم و نامه شما رابه سایر دوستان نیز نشان خواهیم داد.

* سیمین غلامی - تهران

مقاله تقویت اراده به دستم رسید. به تحریریه سپرده ام تا مورد بررسی قرار گیرد و در صورت تناسب نسبت به چاپ آن در مجله اقدام شود. موفق باشید.

* عزت الله کریمی - آبدانان

در یکی از شماره های آینده خلاصه ای از نامه شما را منتشر خواهیم کرد. موفق باشید.

* نام محفوظ - قائم شهر

نامه جالب شما را دریافت کردم و هر چه گشتم نام شما را نتوانستم بخوانم. به هر حال حداقل برای ما خوانندگان مجله باید معرفه باشند. اگر به خود ما هم اعتماد نکنند قاعدتاً خیلی بد می شود. توصیه هایی که به آقای رئیس جمهور داشته اید قابل طرح هستند به شرط آنکه شما شناخته شده باشید.

* ابراهیم گرجی محمدزاده - شاهین شهر اصفهان

دو نامه جدید از شما به دستم رسیده است. از همکاری خوب شما با مجله سپاسگزارم. از مطالب شما به تدریج استفاده خواهد شد.

* عباس عابد - اندیشه

شعر مقصود تویی طنز خوبی داشت، انشاء الله از آن استفاده خواهیم کرد. آن رابه مسوول در حلقه رندان ار جاع دادم تا در آن بخش مورد استفاده قرار گیرد. موفق باشید.

* **امیر علی جلیلی (دستجرد) و مهر داد موسوی خوانساری (اصفهان)** لطفاً در ساعات اداری با روابط عمومی مجله (۲۲۲۶۲۲۶) تماس حاصل فرمایید.

طنزهای کوتاه مشاهیر

* ما محتاج چند نفر دیوانه هستیم. آخر ببینید مردم عاقل دارند ما را به کجا می برند؟ **برنارد شاو**
* اگر می خواهی مردم همیشه به تو بخندند همیشه عبوس و اخمو باش. **پلوتار**
* کسانی که بدون کار کردن غذا می خورند، دزد اموال مردم هستند. **مهاتما گاندی**
* آدم عاقل با دنیا می سازد و آدم نادان می کوشد که دنیا با او بسازد. **داستایوفسکی**
بهرام بوادی - یزد

پزشکان عزیز، انصاف

همه می دانیم که هزینه های زندگی در این روزها چه اوضاعی پیدا کرده است. کار هم که کم شده و بیکاری همه را آزار می دهد. با این وجود دولت هم بر گرانفروشی ها نظارت چندانی ندارد. یکی از مواردی که مردم را آزار می دهد بالا رفتن تعرفه پزشکان متخصص است. متأسفانه برخی از پزشکان با وجود قسمی که یاد کرده اند هر طور که بخواهند با مردم رفتار می کنند و از همه بدتر اینکه عده ای از آنان اندیشه ای جز دریافت پول ندارند. کاش مسوولان عزیز برای درمان مردم بخصوص مردم مناطق محروم فکری می کردند.

زهرا مترجمی - جهرم

جانبازان بی در صد شیمیایی

چند سال پیش بنا به درخواست بنیاد جانبازان از طرف سپاه و بسیج مبنی بر حضور داوطلبانه بسیجیانی که در جبهه های حق علیه باطل و خصوصاً مناطق شیمیایی مجروح شدند به سپاه معرفی شدم تا با اعزام به بیمارستان صدوقی اصفهان و یکسری معاینات ریه و چشم و پوست که در زمان خودش هزینه قابل توجهی هم برایم داشت مشخص شد که از ناحیه چشم و پوست مجروح و جانباز به حساب می آیم. اما چون در صد خرابی ریه ام کم بود کمیسیون پزشکی مجروحیت مرا رد کرد و پرونده ام را به بنیاد جانبازان شهرضا عودت داد. پزشک معالج در پرونده ام ذکر کرد که بعد از گذشت یک سال مجدداً از طرف بنیاد به بیمارستان معرفی شوم که متأسفانه دیگر نه خبری شد و نه حتی تلفنی زده شد. پرونده من هم به منطقه اصفهان ارجاع و بایگانی شد. چندین بار هم پیگیری کرده ام و دست از یادراز تر بر گشتم. خواستم بگویم جواب امثال من این نیست. ما که داشتیم زندگی خودمان را می کردیم و با درد خودمان سوخته بودیم و می ساختیم. شما از جانب رئیس محترم جمهور اطلاعیه دادید و در خواست کردید که مراجعه کنیم، آزمایش بدهیم و نسبت به خود بی تفاوت نمایم تا دولت بتواند به وظیفه اش در مقابل جانبازان عمل کند و... من وقتی به جبهه رفتم ۱۵ سال هم نداشتم، داوطلبانه رفتم و چشم داشتمی هم نداشتم. بعد از مجروحیت هم هیچ بر که واستعلامی نگرفتم. حالا که بیش از دودهم از آن روزها گذشته و آثار آن هر روز بیشتر اذیتی می کند باز طبق درخواست خود شما ما مراجعه کرده ام تا از امکانات درمانی برخوردار شوم. و چرا بیهوده ما را امیدوار کردید؟

غلامعلی قاضی شهرضا - شهرضا

مرد یعنی اینکه مر دانه باید سر تعهد مان بایستیم.
۳- آیا اگر این مشکل برعکس بود، یعنی شما مشکل پیدای کردید همسرتان چه کار باید می کرد؟ آیا حتی می توانستید قبول کنید که به این خاطر نسبت به شما بی وفایی کند؟

۴- آیا به فرزندتان و مشکلات و پیامدهای بعد از آن و عدم قبول همسر دوم فکر کرده اید؟
علی ملک زاده - خمینی شهر اصفهان

ثروت عمر

حکیمی مردی را بر ساحل دریایی دید که غمگین نشسته است و برای مشکلات دنیایی اش غصه می خورد. حکیم به او گفت: «ای جوان! اگر در اوج بی نیازی در دریایی بودی و کشتی تو شکسته بود و نزدیک بود که از میان بروی، آیا آرزو داشتی که هر چه داری از دست بدهی و نجات بیایی؟»
گفت: «بله.» حکیم گفت:

«حالاً ببیندیش که اگر بر تمام دنیا حکومت می کردی و همه اطرافیان تو خواستند تو را بکشند، آیا آرزو داشتی همه چیزت را از دست بدهی اما از دست آنان رهایی یابی؟» جوان گفت: «بله.» حکیم آنگاه گفت: «تو هم اکنون آن ثروتمندی و آن حاکم بزرگ. مرد جوان باشنیدن سخنان حکیم آرامش یافت.

بر گرفته از کتاب: قصه های شیخ بهایی - سیدعلی محمد رفیعی فرستنده: عبدالله خورشیدی - سقز (کردستان)

چرا این صفحات حذف شدند؟

شما چرا صفحاتی را که ما می توانستیم با آنها ارتباط برقرار کنیم حذف کرده اید؟ صفحاتی مانند فرهنگ مردم، دستبخت عدسی و نکته های طنز آمیز صفحاتی بودند که پل ارتباطی با خوانندگان به حساب می آمدند و حیفاست که چنین صفحاتی که خوانندگان در آن نقش اصلی دارند حذف شوند. خواهشمندم نسبت به راه اندازی آن اقدام کنید. ضمن اینکه بنده چون مدتی در گیسر لیگ برتر گناباد (به عنوان مربی تیم مروارید) بوده ام کمتر موفق شدم برایتان نامه بنویسم. و حال هم نمی دانم عکس تیم فوتبالم رابه کدام قسمت بدهم تا برای تشویق چاپ شود؟

حسین فیاضی - گناباد

چرا بخش خصوصی؟

اخیراً از طرف مسوولین تاکسیرانی تهران اعلام شده که کلیه تاکسی های نارنجی رنگ تهران و بعضاً تاکسی های زرد شطرنجی بانوان به شرکت های خصوصی که در چند سال اخیر مثل قارچ رویده اند واگذار شود. در حالی که اتحادیه تاکسیرانی تحت نام مجمع امور صنفی تاکسی داران تهران با بیش از ۴۰ سال قدمت شرکتی است با امکانات مناسب و تعمیرگاه، امداد و دارای زیرساخت هایی که لازمه این کار است و ضمناً ۱۴ هزار نفر نیز عضو دارد. چرا نباید اینها زیر نظر همان اتحادیه باقی بمانند؟ چه توجیهی برای این حرکت وجود دارد و بخش خصوصی چه خدمتی می تواند به آنها ارائه کند؟
پرویز رئیسی - راننده تاکسی از تهران